

## بن‌بست قانونی تشکلیابی کارگران

محمد مالجو

ابتدای دهه‌ی هشتاد خورشیدی غالباً آغاز عروج جنبش کارگری در ایران قلمداد می‌شود. کنش-گران چنین عروجی از یک سو فعالان کارگری جریان سندیکایی بودند و از دیگر سو نیز فعالان جریان جنبش ضدسرمایه‌داری. این دو جریان گرچه به لحاظ نظری با هم تفاوت‌ها و تضادهای شدیدی داشتند اما از بستر عینی مشابهی برمی‌خاستند: ناکارآمدی‌های همه‌نوع هویت‌های به-اصطلاح کارگری که در چارچوب تفسیر هیأت حاکمه از قانون کار به رسمیت شناخته می‌شدند. در نوشته‌های کارگری هنوز تصویر روشنی از کمّ و کیف این هویت‌های مورد وثوق طبقه‌ی سیاسی حاکم به دست داده نشده است.

در این مقاله می‌کوشم همین نقیصه را از جهاتی رفع کنم. ابتدا تصویری کمّی از آن دسته از هویت‌های دسته‌جمعی کارگری در ابتدای دهه‌ی هشتاد خورشیدی به دست خواهم داد که در چارچوب قانون کار به رسمیت شناخته می‌شده‌اند. سپس برخی از مهم‌ترین کاستی‌های چنین هویت‌های به‌اصطلاح کارگری را بازگو خواهم کرد، کاستی‌های بنیادینی که تلاش برای رفع‌شان به اصلی‌ترین دست‌درکاران عروج جنبش کارگری طی دهه‌ی هشتاد خورشیدی انگیزه‌های عینی می‌داد. بازخوانی این مسیر طی‌شده برای انتخاب راه‌پیشارو ضرورت دارد.

### دامنه‌ی حق تشکلیابی کارگران در آینه‌ی قانون

مطابق با مقاوله‌نامه‌ی 87 سازمان جهانی کار مصوب سال 1948، «این حق به کارگران و کارفرمایان داده شده است که به انتخاب خود و بدون کسب هر گونه اجازه‌ی قبلی به تشکیل سازمان‌ها یا پیوستن به آن‌ها اقدام کنند.»<sup>1</sup> همچنین مقاوله‌نامه‌ی 98 سازمان جهانی کار مصوب سال 1949 بر «مصونیت افراد در برابر تبعیض به دلیل مخالفت با اتحادیه یا جهت حمایت از سازمان‌های کارگری و کارفرمایی در مقابل جریان‌ات مداخله‌گرایانه که توسط یکدیگر انجام می‌شود یا برای اقدامات تبلیغاتی جهت مذاکرات جمعی تهیه شده»<sup>2</sup> تأکید گذاشته است. تعهدات ناشی از امضای این مقاوله‌نامه‌ها به دست دولت‌ها باید به صورت مصوبات حقوق داخلی در تنظیم روابط کار در کشورهای امضاکننده نقش‌آفرین باشد. دولت ایران به این مقاوله‌نامه‌ها الحاق شده است. قانون اساسی ایران هیچ تناقضی با این دو مقاوله‌نامه ندارد. طبق اصل 26 قانون اساسی، «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته‌شده آزادند... و هیچ‌کس را نمی‌توان از شرکت در آن‌ها منع کرد یا به شرکت در یکی از آن‌ها مجبور ساخت.» قانون کار به‌قاعده نباید ناقض قانون اساسی باشد. طبق تبصره‌ی چهارم ماده‌ی 131 قانون کار مصوب سال 1369، «کارگران یک واحد فقط می‌توانند یکی از سه مورد شورای اسلامی کار، انجمن صنفی یا نماینده‌ی کارگران را داشته باشند.» بر طبق قانون کار، هر نوع

دیگری از تشکل کارگری اصولاً قانونی شناخته نمی‌شود، حتی سندیکاها که طبق روایت هیأت حاکمه از قانون کار اصولاً مصداق انجمن صنفی نیستند.

### شورای اسلامی کار

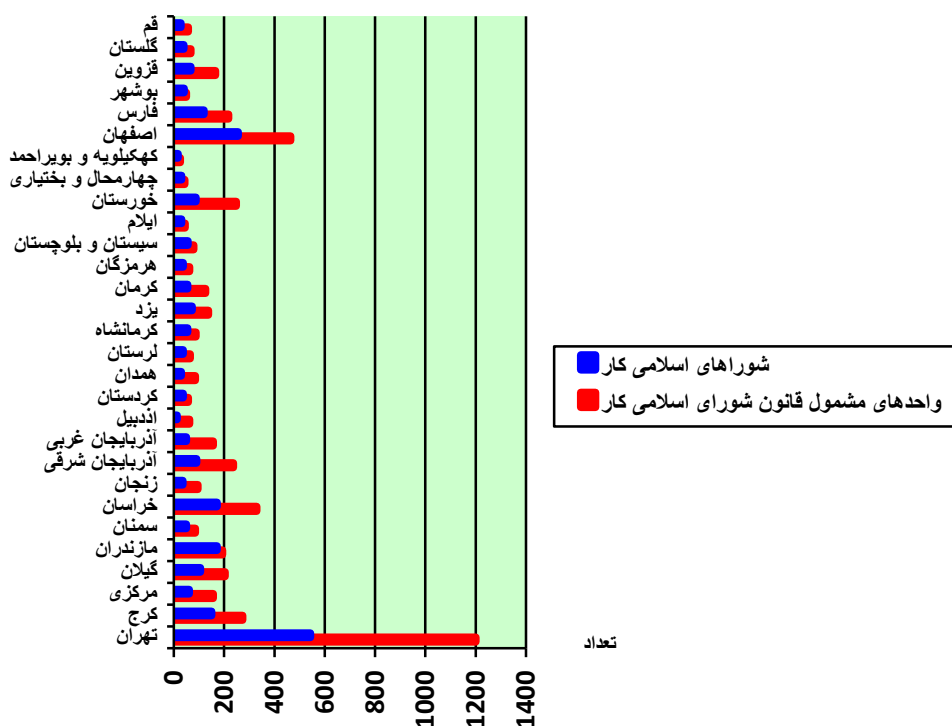
جدول شماره‌ی یک و نمودار شماره‌ی یک تعداد واحدهای مشمول شورای اسلامی کار و نیز تعداد شوراهای اسلامی کار در کل کشور در پایان سال 1380 را نشان می‌دهد.<sup>3</sup>

جدول 1: تعداد واحدهای مشمول و شوراهای اسلامی کار در ایران به تاریخ 29 اسفند 1380

نام استان	تعداد واحدهای مشمول شوراهای اسلامی کار	تعداد شوراهای اسلامی کار	تعداد شوراهای اسلامی کار دارای اعتبار	تعداد شوراهای اسلامی کار فاقد اعتبار
تهران	1200	543	458	85
کرج	273	150	90	60
مرکزی	156	61	36	25
گیلان	203	105	74	31
مازندران	193	172	106	66
سمنان	85	49	23	26
خراسان	329	172	135	37
زنجان	96	35	27	8
آذربایجان شرقی	237	90	75	15
آذربایجان غربی	157	50	48	2
اردبیل	62	13	10	3
کردستان	57	37	28	9
همدان	85	29	25	4
لرستان	65	37	35	2
کرمانشاه	88	55	30	25
یزد	137	72	58	14
کرمان	126	55	28	27
هرمزگان	62	37	25	12
سیستان و بلوچستان	79	56	44	12

6	24	30	44	ایلام
41	47	88	248	خوزستان
10	20	30	43	چهارمحال و بختیاری
7	10	17	26	کهگیلویه و بویراحمند
123	132	255	464	اصفهان
52	67	119	217	فارس
18	23	41	49	بوشهر
33	109	142	165	قزوین
9	31	40	68	گلستان
3	25	28	57	قم
<b>765</b>	<b>1843</b>	<b>2608</b>	<b>5071</b>	<b>جمع کل</b>

نمودار 1: تعداد واحدهای مشمول قانون شورای اسلامی کار و تعداد شوراهای اسلامی کار در سال 1380



طبق ماده‌ی پانزدهم «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» مصوب سال 1363، فقط در واحدهایی اجازه‌ی تأسیس چنین شوراهایی وجود داشته است که بیش از 35 نفر کارکن داشته

باشند. تقریباً نیمی از واحدهایی که چنین شرایطی را داشتند در ابتدای دهه‌ی هشتاد خورشیدی از شورای اسلامی کار برخوردار بودند.

با این همه، مشارکت کارگران در چنین شوراهایی بسیار کم‌رنگ بوده است. پژوهشی که در سال 1378 درباره‌ی جامعه‌ای آماری شامل 114571 نفر کارکن در 371 کارگاه واجد بیش از 50 نفر کارکن در کل استان تهران با حجم نمونه‌ی آماری 1567 نفر به عمل آمد میزان مشارکت کارکنان در انتخابات شورای اسلامی کار را بسیار ضعیف ارزیابی کرده است.<sup>4</sup> حدود 70 درصد از کارکنان هرگز در انتخابات شوراها شرکت نکرده بودند و حدود 12 درصدشان فقط یک بار در انتخابات مشارکت داشتند. فقط حدود 18 درصدشان بیش از دو بار در انتخابات شرکت کرده بودند. حداکثر تعداد شرکت در انتخابات پنج بار بود. جدول شماره‌ی دو خلاصه‌ی یافته‌های پژوهش پیش‌گفته را در این زمینه به دست می‌دهد.

جدول 2: میزان شرکت کارکنان در انتخابات شورای اسلامی کار

درصد	تعداد کارکنان	
70.2	1064	اصلاً
11.7	177	یک بار
7.3	110	دو بار
5.7	87	سه بار
3	45	چهار بار
2.2	33	پنج بار
<b>100</b>	<b>1516</b>	<b>جمع</b>

اگر یافته‌های این پژوهش را ملاک قرار دهیم، به نظر می‌رسد شوراهای اسلامی کار علیرغم برخورداری از شأن قانونی و نیز گستردگی جغرافیایی اصولاً با استقبال وسیع کارکنان مواجه نبوده‌اند.

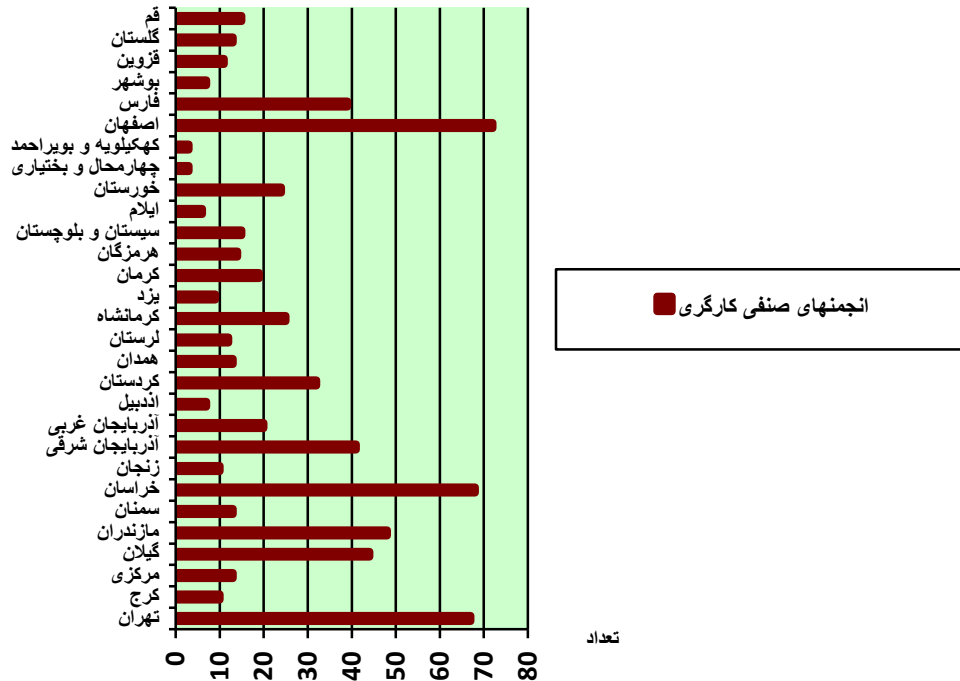
### انجمن صنفی کارگری

تعداد انجمن‌های صنفی در سراسر کشور در پایان سال 1380 در جدول شماره‌ی سه و نمودار شماره‌ی دو آمده است.<sup>5</sup> انجمن‌های صنفی را می‌توان دومین نوع از تشکل دسته‌جمعی کارگری دانست که در قانون کار به رسمیت شناخته می‌شود. با این حال، کارگران کارگاهی که پیشاپیش از شورای اسلامی کار برخوردار هستند نمی‌توانند انجمن صنفی تشکیل دهند. به یک معنا، پر شمار بودن شوراهای اسلامی کار احتمالاً روی دیگر سکه‌ی کم‌شمار بودن تعداد انجمن‌های صنفی کارگری است. در پایان سال 1380 حدود 673 انجمن صنفی کارگری در کشور وجود داشته است.

جدول 3: تعداد انجمن‌های صنفی کارگری در ایران به تاریخ 29 اسفند 1380

نام استان	تعداد انجمن‌های صنفی کارگری	تعداد انجمن‌های صنفی دارای اعتبار	تعداد انجمن‌های صنفی کارگری فاقد اعتبار
تهران	67	56	11
کرج	10	10	0
مرکزی	13	8	5
گیلان	44	37	7
مازندران	48	40	8
سمنان	13	11	2
خراسان	68	61	7
زنجان	10	9	1
آذربایجان شرقی	41	31	10
آذربایجان غربی	20	17	3
اردبیل	7	7	0
کردستان	32	16	16
همدان	13	12	1
لرستان	12	9	3
کرمانشاه	25	8	17
یزد	9	5	4
کرمان	19	17	2
هرمزگان	14	6	8
سیستان و بلوچستان	15	9	6
ایلام	6	4	2
خوزستان	24	21	3
چهارمحال و بختیاری	3	2	1
کهگیلویه و بویراحمد	3	3	0
اصفهان	72	46	26
فارس	39	30	9
بوشهر	7	7	0
قزوین	11	11	0
گلستان	13	10	3
قم	15	15	0
<b>جمع کل</b>	<b>673</b>	<b>518</b>	<b>155</b>

نمودار 2: تعداد انجمنهای صنفی کارگری در سال 1380



### نمایندگی کارگران

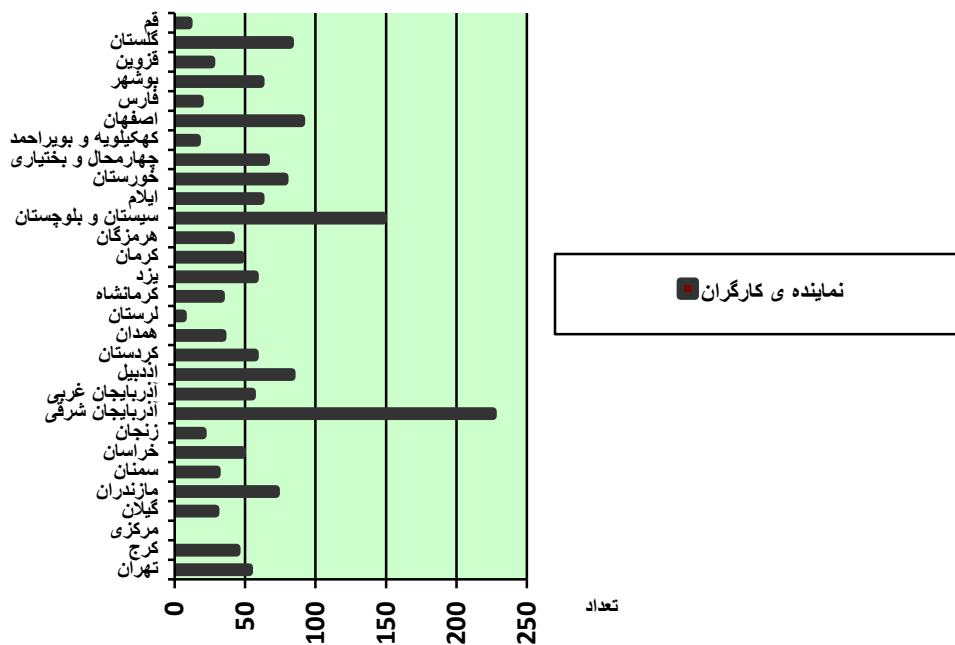
بر طبق اولین مادهی «دستورالعمل مربوط به انتخاب نمایندگان کارگران» مصوب سال 1371، در مواردی که در کارگاهی شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی وجود نداشته باشد کارگران می-توانند نسبت به انتخاب نمایندهی کارگران اقدام کنند. این سومین نوع از سازوکار نمایندگی در قانون کار، یعنی نمایندهی کارگران، به لحاظ تعداد از شوراهای اسلامی کار کم‌شمارتر و از تعداد انجمن‌های صنفی پرشمارتر بوده است. در پایان سال 1380 حدود نیمی از کارگاه‌های بالای 35 نفر کارکن که برای تشکیل شوراهای اسلامی کار بر طبق قانون کاملاً صلاحیت داشتند فاقد چنین شوراهایی بودند. در فقدان تلاش برای تأسیس انجمن صنفی کارگری در چنین واحدهایی احتمالاً سازوکار نمایندهی کارگران از بیشترین بخت در چنین کارگاه‌هایی برخوردار بوده است. تعداد نمایندگان کارگری در واحدهای تولید سراسر کشور در پایان سال 1380 در جدول شماره‌ی چهار و نمودار شماره‌ی سه آمده است.<sup>6</sup>

جدول 4: تعداد نمایندگان کارگران در ایران به تاریخ 29 اسفند 1380

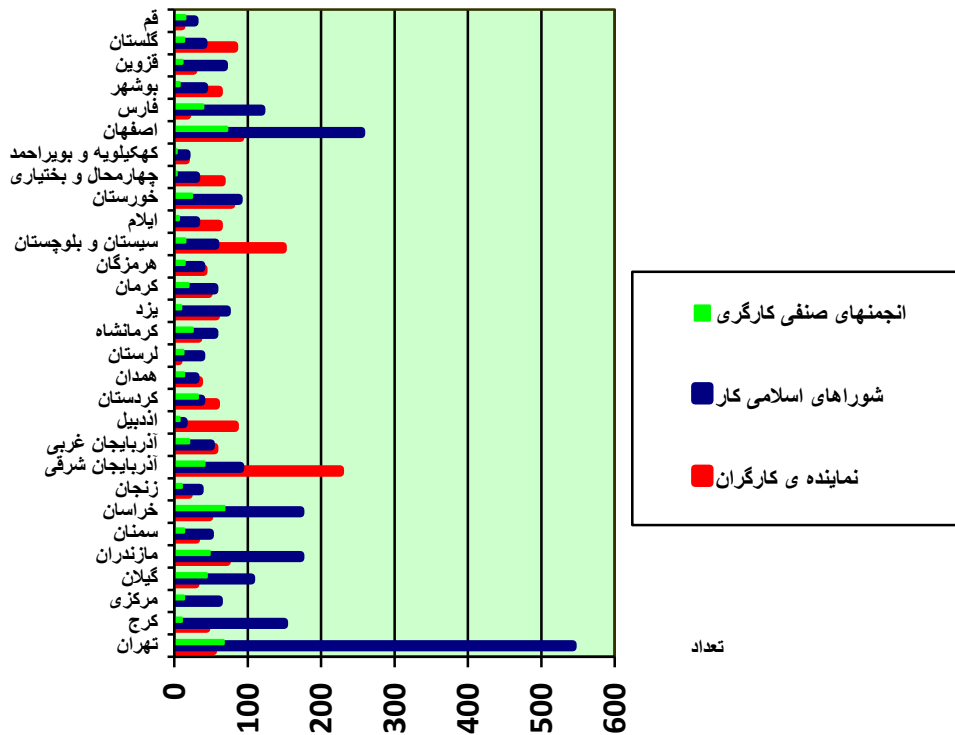
نام استان	تعداد	تعداد نمایندگان	تعداد نمایندگان
-----------	-------	-----------------	-----------------

کارگری فاقد اعتبار	کارگری دارای اعتبار	نمایندگان کارگری	
0	53	53	تهران
20	24	44	کرج
0	0	0	مرکزی
15	14	29	گیلان
42	30	72	مازندران
10	20	30	سمنان
15	33	48	خراسان
7	13	20	زنجان
37	189	226	آذربایجان شرقی
10	45	55	آذربایجان غربی
13	70	83	اردبیل
38	19	57	کردستان
4	30	34	همدان
4	2	6	لرستان
0	33	33	کرمانشاه
18	39	57	یزد
11	36	47	کرمان
26	14	40	هرمزگان
49	99	148	سیستان و بلوچستان
13	48	61	ایلام
11	67	78	خوزستان
15	50	65	چهارمحال و بختیاری
14	2	16	کهگیلویه و بویراحمد
12	78	90	اصفهان
10	8	18	فارس
30	31	61	بوشهر
4	22	26	قزوین
0	82	82	گلستان
1	9	10	قم
<b>429</b>	<b>1160</b>	<b>1589</b>	<b>جمع کل</b>

نمودار 3: تعداد نماینده ی کارگران



نمودار 4: تعداد شوراهای اسلامی کار، انجمنهای صنفی کارگری، و نماینده ی کارگران در سال 1380





## از شمول ناقص تا فقدان استقلال

هویت‌های دسته‌جمعی کارگری مجاز در قانون کار از منظر حقوقی به دست‌کم پنج نقیصه‌ی بنیادین دچار بوده‌اند، نقیصه‌ی که به سهم خود تا جایی که به منظر حقوقی برمی‌گردد از بر ساختن نیروی کار متشکل شدیداً ممانعت می‌کرده‌اند.

اول، قانون کار در بهترین حالت فقط شاغلان را مشمول تشکلیابی قرار می‌دهد. بر طبق سرشماری‌های رسمی، جمعیت بیکار در سال‌های 1375 و 1385، یعنی پنج سال قبل و بعد از سال 1380 که آغاز عروج جنبش کارگری در ایران بوده است، به ترتیب 1456 هزار نفر و 2992 هزار نفر با نرخ بیکاری 9.1 درصد و 12.8 درصد بود. تشکلیابی این بخش وسیع از طبقه‌ی کارگر در قانون کار به‌تمامی مغفول مانده است.

دوم، این گونه نیز نبوده است که تشکلیابی همه‌ی شاغلان در قانون کار و قوانین پایین‌دستی-اش به رسمیت شناخته شده باشد. کارگران شاغل در شرکت‌های بزرگ دولتی از چنین حقی اصلاً برخوردار نبوده‌اند. تبصره‌ی ماده‌ی پانزدهم «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» مقرر می‌کرد که زمان تشکیل شوراها در شرکت‌های بزرگ دولتی از قبیل شرکت‌های تابع وزارت نفت و شرکت ملی فولاد ایران و شرکت ملی صنایع مس ایران و غیره به تشخیص شورای عالی کار باشد که تا سال 1377 عملاً هرگز چنین اجازه‌ای را صادر نکرده بود. این مانع در سال 1377 با مصوبه‌ی نودوششمین جلسه‌ی «شورای عالی کار» از میان برداشته شد. اما باید توجه کرد که تا قبل از سال 1377 در عین حال بخش مهمی از کارکنان بخش‌های بزرگ دولتی پیشاپیش از برخورداری از قرارداد رسمی و دائمی محروم شده و به کارکنان موقتی تبدیل شده بودند. بر طبق اولین ماده از «آیین‌نامه‌ی انتخابات قانون شوراهای اسلامی کار» مصوب سال 1364، فقط واحدهایی از حق تشکیل شورای اسلامی کار برخوردار بودند که بیش از 35 نفر شاغل "دائم" داشته باشند. سومین تبصره از اولین ماده‌ی همین آیین‌نامه اصولاً شاغل دائم را به افرادی اطلاق می‌کند که در یکی از مشاغل دائم واحد مربوطه مشغول فعالیت باشند. در واقع تشکیل شوراهای اسلامی کار میان کارکنان شرکت‌های بزرگ دولتی در زمانی قانوناً مجاز دانسته شد که از تعداد کارگران رسمی و دائمی‌شان پیشاپیش به‌شدت کاسته شده بود و کارگران رسمی در اقلیت محض و وضعیتی تدافعی قرار داشتند. وانگهی گرچه تشکیل چنین شوراهایی از سال 1377 به بعد قانوناً مجاز شده بود اما باز هم مشکلات اجرایی عملاً از تأسیس شوراهای اسلامی کار در واحدهای بزرگ دولتی یا استمرار فعالیت‌شان در چنین واحدهای بزرگی جلوگیری می‌کرده است.

سوم، به همین قیاس، سازوکار روشن و قابل‌اتکایی برای تشکلیابی کارگران بنگاه‌های کوچک بخش خصوصی در قانون کار وجود ندارد. داده‌های سرشماری نفوس و مسکن کشور در سال‌های 1375 و 1385، یعنی پنج سال قبل و بعد از آغاز عروج جنبش کارگری، به‌وضوح نشانگر همین نکته است. تعداد کارفرمایان در سال 1375 بالغ بر 527 هزار و کارکنان در استخدام‌شان نیز حدود 4068 هزار نفر بود، یعنی متوسط بُعد کارکنان بنگاه‌ها معادل با 7.7 نفر بود. در سال

1385 تعداد کارفرمایان 1530 هزار نفر و کارکنان در استخدامشان نیز 6168 هزار نفر بود، یعنی متوسط بُعد کارکنان بنگاه‌ها معادل با چهار نفر بود.<sup>7</sup> با این تعداد پرشمار از کارفرمایان از سویی و متوسط بُعد کوچک کارکنان از دیگر سو، به قراری که در جداول شماره‌های یک و سه و چهار دیده می‌شود، فقط 4780 واحد بوده‌اند که یکی از سه امکان شورای اسلامی کار و انجمن صنفی و نماینده‌ی کارگری را داشته‌اند. هیچ یک از این سه امکان برای تشکیل‌یابی کارگران بنگاه‌های کوچک مطلقاً مناسب نیست. طبق ماده‌ی پانزدهم «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» فقط واحدهایی که بیش از 35 نفر کارکن دارند می‌توانند شورای اسلامی کار تشکیل دهند. همچنین طبق دومین ماده از «آیین‌نامه‌ی چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی عملکرد انجمن‌های صنفی و قانون‌های مربوط موضوع ماده‌ی 131 قانون کار» مصوب سال 1371، کمترین نصاب لازم برای تشکیل انجمن صنفی کارگری در سطح کارگاه 10 نفر است. نهایتاً طبق «آیین‌نامه‌ی معافیت کارگاه‌های کوچک دارای کمتر از ده نفر کارگر از شمول برخی از مقررات قانون کار» نیز که در دی‌ماه سال 1381 برای سه سال به تصویب رسید و در دی‌ماه سال 1384 مجدداً تمدید شد اصلاً کارگاه‌هایی که کمتر از ده نفر کارکن دارند از شمول قانون کار و از جمله حق برخورداری از یگانه گزینه‌ی باقیمانده یعنی نماینده‌ی کارگری خارج هستند. قانون کار و سایر قوانین پایین‌دستی‌اش عملاً تشکیل‌یابی کارگرانی را که در بنگاه‌های کوچک شاغل هستند ناممکن کرده‌اند.

چهارم، صرف‌نظر از نادیده‌انگاری تشکیل‌یابی کارگران بیکار از سویی و کارگران شاغل هم در بخش‌های بزرگ دولتی و هم در بنگاه‌های کوچک از دیگر سو که سرجمع بخش بزرگی از کارگران را در طبقه‌ی کارگر تشکیل می‌دهند، همان بخش از کارگران نیز که قانوناً می‌توانند یا شورای اسلامی کار داشته باشند یا انجمن صنفی کارگری یا نماینده‌ی کارگری اصلاً با این معضل روبرو هستند که نهاد کارگری بر ساخته‌شان از جهاتی در عین حال نهادی کارفرمایی نیز هست. «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» اصولاً شورای اسلامی کار را شورایی تعریف می‌کند مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان که به انتخاب مجمع عمومی و نماینده‌ی مدیریت تعیین می‌شود. به همین قیاس است انجمن صنفی کارگری. به نوشته‌ی یکی از گزارش‌هایی که مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی در سال 1377 منتشر کرده است، «هیچ یک از ارگان‌ها [ی مذکور در قانون کار] را نمی‌توان یک تشکل خالص کارگری دانست زیرا در هر حال در تمام آن‌ها امکان حضور فرد یا افرادی که منتخب خود کارگران نیستند وجود دارد و این نکته با تعریفی که از سازمان کارگری به عمل آمد مغایر است»<sup>8</sup>

پنجم، تشکل‌های کارگری مجاز در قانون کار نه فقط از کارفرمایان بلکه از دولت نیز مستقل نیستند. طبق تبصره‌ی ماده‌ی دوم «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار»، تشخیص صلاحیت کاندیداهای عضویت در شوراهای اسلامی به عهده‌ی هیأتی است مرکب از نماینده‌ی وزارت کار و نماینده‌ی وزارتخانه‌ی مربوطه و نیز البته نماینده‌ی منتخب مجمع کارکنان. همچنین بر طبق سومین ماده از همین قانون، انتخابات شوراهای زیر نظر وزارت کار برگزار می‌شود. همچنین بر طبق ماده‌ی نوزدهم از «آیین‌نامه‌ی چگونگی تشکیل، حدود وظایف و اختیارات و چگونگی

عملکرد انجمن‌های صنفی و کانون‌های مربوط موضوع ماده‌ی 131 قانون کار،» نظارت بر انتخابات و فعالیت انجمن‌های صنفی کارگری بر عهده‌ی وزارت کار و امور اجتماعی است. نهایتاً بر طبق پنجمین ماده‌ی «دستورالعمل مربوط به انتخاب نمایندگان کارگران» مصوب سال 1371، تطبیق شرایط کاندیداهای نمایندگی هر واحد به عهده‌ی هیأتی نظارتی از جمله شامل نماینده‌ی واحد کار و امور اجتماعی محل است.

### از مسیر طی‌شده تا مسیر پیش‌رو

در قانون کار مصوب سال 1369 برای تشکیل‌یابی بیکاران مطلقاً زمینه‌ای وجود نداشته است. هم‌چنین تا سال 1377 «قانون تشکیل شوراهای اسلامی کار» از متشکل‌شدن کارگران در شرکت‌های بزرگ دولتی در قالب چنین شوراهایی به لحاظ حقوقی ممانعت می‌کرد و از این سال به بعد نیز مدیران بودند که به لحاظ اجرایی چنین نقشی ایفا می‌کردند. نهایتاً قانونی دیگر مصوب هیأت وزیران نیز تشکیل‌یابی کارگران در کارگاه‌های کوچک زیر ده نفر را تلویحاً ناممکن می‌ساخت. در چارچوب قوانین موجود نه بیکاران می‌توانسته‌اند متشکل شوند، نه کارگران بخش‌های بزرگ دولتی، و نه کارگران بنگاه‌های کوچک. در عین حال، سایر کارگران شاغل بر طبق قانون کار برای تشکیل‌یابی می‌توانستند یا شورای اسلامی کار یا انجمن صنفی یا نماینده‌ی کارگری داشته باشند اما این هر سه به لحاظ حقوقی عمیقاً هم زیر نفوذ کارفرمایان هستند و هم زیر سیطره‌ی دولت.

جریان فعالان سندیکایی از سویی و جریان فعالان جنبش ضدسرمایه‌داری از دیگر سو از آغاز دهه‌ی هشتاد خورشیدی از جمله به قصد رفع همین نقیصه‌ها در صحنه‌ی کارگری کشور فعال شدند. جریان سندیکایی درصدد بود در چارچوب نظم اقتصادی و سیاسی موجود به پیشبرد مطالبات به اصطلاح صنفی کارگران یاری رساند. سندیکایی‌ها با تکیه بر مقاله‌نامه‌های 87 و 98 سازمان بین‌المللی کار که به امضای دولت ایران نیز رسیده و با اتکا بر اصل 26 قانون اساسی کوشیدند تفسیری از قانون کار به دست دهند که بر طبق آن سندیکا نوعی انجمن صنفی کارگری است. اما در عمل نه تفسیر سندیکایی‌ها بلکه تفسیر هیأت حاکمه از قانون کار بود که ملاک عمل قرار گرفت. سندیکاها از آغاز دهه‌ی هشتاد همواره زیر ضرب بوده‌اند. جریان فعالان کارگری جنبش ضدسرمایه‌داری نیز گرچه برای فراتر رفتن از نظم موجود اقتصادی و سیاسی می‌کوشید اما، علیرغم رویکرد ضدسندیکایی‌اش، به‌ناگزیر مجبور بود فعالیت‌های عملی خود را ذیل پرچم فعالیت‌ها و تشکل‌های سندیکایی سامان دهد و در زمین قانون بازی کند.

اکنون به دنبال بیش از یک دهه تجربه‌ای که از عروج جنبش کارگری در آغاز دهه‌ی هشتاد خورشیدی می‌گذرد، موانعی که هم از منظر روابط حقوقی و هم از زاویه‌ی مناسبات حقیقی قدرت عملاً راه را بر هر گونه رفرم در امر تشکیل‌یابی کارگران سد کرده‌اند بیش از پیش به چشم می‌آیند. عبور از این موانع برای تشکیل‌یابی طبقه‌ی کارگر به مدد پیروی از چارچوب‌های حقوقی قانون کار به نظر امری ممکن نمی‌رسد. در چارچوب تفسیر مسلط از قانون کار نه جریان

سندیکایی اصلاً محلی از اعراب دارد نه جریان فعالان جنبش ضدسرمایه‌داری. بازخوانی مسیر طی شده باید کمک‌حال بازیابی مسیری مناسب برای حرکت پیش‌رو باشد. برای عبور از بن‌بست قانونی تشکل‌یابی کارگران نمی‌توان به قانون متوسل شد.

#### یادداشت‌ها

<sup>1</sup> محمدرضا سپهری، *حقوق بنیادین کار* (تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، 1381) ص 21.

<sup>2</sup> همان. ص 29.

<sup>3</sup> معاونت روابط کار اداره‌ی کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، «مجموعه‌ی بازرسی‌های به‌عمل‌آمده از نحوه‌ی عملکرد ادارات کل اجرایی استان‌ها در رابطه با تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در سال 1380: نشریه‌ی شماره‌ی 6»، خرداد 1381، ص 10.

<sup>4</sup> مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، «مشارکت سیاسی کارگران، مورد مطالعه: استان تهران»، (تهران: مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، 1378) صص 29 تا 48.

<sup>5</sup> معاونت روابط کار اداره‌ی کل سازمان‌های کارگری و کارفرمایی، «مجموعه‌ی بازرسی‌های به‌عمل‌آمده از نحوه‌ی عملکرد ادارات کل اجرایی استان‌ها در رابطه با تشکل‌های کارگری و کارفرمایی در سال 1380: نشریه‌ی شماره‌ی 6»، خرداد 1381، ص 11.

<sup>6</sup> همان.

<sup>7</sup> مرکز آمار ایران، *سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور* (تهران: مرکز آمار ایران، سال‌های 1375 و 1385).

<sup>8</sup> شمس‌السادات زاهدی، *تشکل‌های کارگری و کارفرمایی: بررسی تطبیقی* (تهران: مؤسسه‌ی کار و تأمین اجتماعی، 1377) صص 28 و 29.